

در برگی دیگر از بخش معرفی و دانلود خلاصه کتاب های معروف اینبار می خواهیم به بررسی کتاب پدر پولدار پدر بی پول اثر رابرت کیوساکی بپردازیم و خلاصه این کتاب گرانقدر و ارزشمند را که توسط بهترین ترجمه کتاب پدر پولدار پدر بی پول یعنی دکتر فرزاد حبیبی اصفهانی آماده گشته برای شما در این صفحه بازگو کنیم.



با سایت کسب و کار اینترنتی کلید موفقیت همراه باشید.

آموزش پایه موفقیت است.

۱- ایمن گام برداریم و با آماده سازی، آموزش و فعالسازی نبوغ مالی خود و فرزندانمان، با آگاهی کامل به استقبال آینده برویم.

۲- بجای اینکه بگوئیم گران است، نمی توانم هزینه اش را تأمین کنم، بهتره بگیم: آیا می توانم راهی بیابم که هزینه اش را تأمین کنم؟

اولین جمله خبری است و دومی سوال. اولی سبب می شود که کاملاً آن موضوع را فراموش کنید و دومی وادارتان می کند تا دنبال راه چاره ای باشید. تنها واژه ها نیستند که سبب می شوند تا از عهده پرداخت هزینه ای برآئی. در چنین حالتی، مغزت فعالیت نمی کند، اما هنگامی که از خودت می پرسی که چگونه می توانم راهی بیابم، آن وقت است که مغزت بکار می افتد.

ذهن، نیرومندتر از هر کامپیوتری است و باید از آن استفاده کرد.

۳- هر چه ذهن نیرومندتر باشد، امکان پول درآوردن بیشتر است. گفتن اینکه نمی توانم هزینه اش را تأمین کنم، تنبلی ذهن را به دنبال دارد.

۴- **فعالیت جسمی منظم** سلامتی تان را افزایش می دهد. **فعالیت ذهنی منظم** هم امکان دستیابی شما را به ثروت افزایش می دهد. تنبلی در هر دو هم سلامتتان را بخطر می اندازد و هم ثروتتان را.

۵- وقتی صحبت از پول به میان می آید یکی ذهنش را به خواب فرو می برد، اما دیگری آن را به کار می اندازد - در نتیجه پس از گذشت زمانی طولانی، یکی از آنها از نظر مالی قوی تر و آن یکی ضعیف تر می شود.

۶- پدر فقیر می گفت: پولدار نبودنم بخاطر شما بچه هاست. پدر پولدار می گفت: بخاطر داشتن شما بچه ها باید پولدار شوم.

اگر روزی خانه ات بزرگترین سرمایه ات باشد بدون شک به مشکل خواهی خورد.

کتاب کامل پدر پولدار پدر فقیر رایگان pdf

۷- در مسائل مالی باید خوداتکا بود.

۸- زندگی افراد بر پایه طرز فکرشان شکل می گیرد.

۹- میان فقر و ورشکستگی تفاوت زیادی است، ورشکستگی موقتی است و فقر دائمی.

۱۰- من برای پول کار نمی کنم، پول برای من کار می کند.

پول قدرت است.

۱۲- باید آموزش مسائل مالی را شروع کرد.

۱۳- اگر بر سر یک دوراهی رسیدی، راهی را برگزین که کمتر پیموده شده که تمام تفاوت ها از همین ناشی خواهد شد.

۱۴- پول شکلی از قدرت است؛ اما نیرومندتر از آن، آموزش مالی است. پو می آید و می رود، اما اگر آموخته باشید که چگونه با آن کار کنید قدرت می باید و با پولی که در دست دارید می توانید ثروت فراوانی کسب کنید.

۱۵- اینکه چرا تفکر مثبت به تنهایی کارساز نیست، به این دلیل است که اغلب مردم درس می خوانند، اما هرگز چیزی درباره روش کارکرد پول یاد نمی گیرند، بنابراین تمام زندگی شان را برای پول کار می کنند.

۱۶- برای پولدار شدن ابتدا باید یاد بگیری که پول در بیاوری، اما چطور می توان پول درآورد؟ باید از مغزت استفاده کنی. اگر درس های زندگی را یاد بگیری موفق خواهی شد، وگرنه زندگی دائماً تو را به این طرف و آن طرف هل می دهد.

۱۷- از ریسک کردن می ترسی، حتی اگر آن را به زبان نیاوری، مایلی که پیروز شوی، اما ترس از باخت بسیار بزرگتر از لذت پیروزی خواهد بود.

۶ در اصلی از پدر پولدار

درس اول: پولدارها برای پول کار نمی کنند.

درس دوم: نیازهای آموزش دانش مالی کدامند؟

درس سوم: به فکر تجارت خودتان باشید.

درس چهارم: تاریخچه مالیات ها و به قدرت رسیدن شرکت ها

درس پنجم: پولدارها پول می سازند.

درس ششم: برای آموختن کار کنید نه بخاطر پول

۱۸- تو و تنها تو می دانی که هرگز به خاطر دستیابی به موفقیت، ریسکی نکرده ای؛ چون تصمیم گرفته ای که محتاطانه زندگی کنی و بهمین روش زندگی ات را به پایان رسانی.

۱۹- بهتر است نگاهت را عوض کنی، دیگر به این فکر نکن که دیگری مقصر یا مشکل از دیگریست. اگر بفهمی که مشکل خودت هستی، آن وقت است که می تونی در زندگی عوض شوی.

۲۰- بیشتر آدم ها می خواهند همه افراد این دنیا را تغییر دهند، بدون اینکه حاضر باشند خودشان را عوض کنند. در حالی که عوض کردن خودت، بسیار راحت تر از عوض کردن دیگران است. همینطور فکر کن و هیچ چیز یاد نگیر. فکر کن که مشکل، من هستم.

۲۱- یادگیری نیازی به ذوق و شوق دارد. نیاز به اشتیاق شدید دارد. همانطور که به عصبانیت احتیاج دارید. زیرا اشتیاق ترکیبی است از عشق و خشم.

طبقه فقیر و متوسط، تنها برای پول کار می کنند، اما طبقه ثروتمند این هنر را دارند که پول برایشان کار کند.

۲۲- صحبت از پول که به میان می آید، اغلب مردم ترجیح می دهند محتاطانه عمل کنند. در چنین افرادی این ترس است که آنها را راهنمایی می کند، نه اشتیاق. به همین خاطر است که بسیاری از افراد، شغلی با حقوق پایین انتخا می کنند (ترس)

به بیشتر مردم، هر چه بیشتر پول بدهی، بدهکاری بیشتری بالا خواهند آورد.

۲۳- ترس است که سبب می شود بیشتر افراد همواره در یک شغلی باقی بمانند، از این می ترسند که نتوانند از پس پرداخت قبض هایشان برآیند. از این می ترسند که اخراج شوند. می ترسند که پول کافی نداشته باشند. اینکه دوباره از صفر شرو کنند. آنها را می ترسانند. و این ترس ها توانی است که از دست رئیسشان عصبانی هستند.

از مغزت استفاده کن.

۲۴- روح هر انسان، بخشی ضعیف و نیازمند دارد که می توان آن را خرید. البته روح آدمی، بخشی نیرومند دارد که هرگز نمی توان آن را خرید. اما سوال اینجاست که کدامیک نیرومندتر است.

۲۵- ابتدا ترس از بی پولی سبب می شود که با تمام وجود تلاش کنیم. بعد هنگامی که چک حقوقمان را دریافت می کنیم، آن احساس طمع یا میل ما را به اندیشیدن به تمام چیزهایی و می دارد که با پول می توان آنها را خرید. و سرانجام الگوی از خواب بیدار شدن، رفتن به سرکار، پرداخت قبض ها و صورتحساب ها و هر چیز دیگر. و آن وقت زندگی آنها بر اساس همین دو احساس پیش می رود، ترس و طمع و برای اینکه به این چرخه ادامه دهند کافی است به آنها پول بیشتری پیشنهادی کنی و آنها نیز به دلیل افزایش مخارج، حتماً آن را خواهند پذیرفت.

پرهیز از پول، درست به اندازه وابستگی به آن، آشفتگی به همراه دارد.

۲۶- احساسات، هویت انسان را می سازد. آنها واقعیت ما را شکل می دهند. احساسات محرک و نیروبخش است و انسان را به حرکت در می آورد. با احساسات و عواطفان روراست باشید و از مغز و عواطفان به نفع خودتان استفاده کنید.

۲۷- بیشتر آدم ها نمی دانند که واطفشان، افکارشان را هدایت می کند. واطف و احساسات بخش های مجزائی در شخصیت شما هستند. شما باید یاد بگیرید که چگونه بیندیشید.

۲۸- وقتی یک نفر می گوید نیازمند به یافتن شغلی است، به احتمال زیاد این حرف ها را بر اساس اطفه و احساس به زبان می آورد. این نوع طرز فکر او ناشی از ترس بی پولی است.

شغل راه حلی کوتاه مدت برای مشکل طولانی مدت است.

۲۹- تنها اینکه یاد بگیرید چگونه پولدار شوید کافی نیست، زیرا این موضوع سبب نمی شود که بتوانید احساس ترس یا هوس پول خود را کنترل کنید. بنابراین اگر نتوانید پیش از آن که پولدار شوید، ترس و هوس را مهار کنید، آنگاه تبدیل می شوید به یک برده پول.

تعریف هوس پولی در کتاب پدر پولدار پدر بی پول چیست؟

وقتی شما را با افزایش دستمزد وسوسه می کند چه احساسی دارید؟ قبول دارید که هوستان رو به افزایش گذاشته بود. با تسلیم شدن در برابر احساسات می توان واکنش هایمان را به تاخیر بیاندازیم و بنابراین فرصت بیشتری برای فکر کردن داریم.

زندگی آدم ها کشمکشی است میان نادانی و آگاهی

۳۰- هنگامی که فردی دست از جستجوی کسب اطلاعات و آگاهی می کشد، جهل به زودی جایگزین آن خواهد شد و این کشمکش است برای بازنگه داشتن ذهن یا بستن آن.

۳۱- یاد بگیرید از احساسات و عواطفتان برای فکر کردن استفاده کنید، نه اینکه بگذارید احساساتتان افکار شما را در اختیار بگیرند.

۳۲- هنگامی که فردی تلاش می کند تا با پول بیشتر شما را وسوسه کند، باز هم احساس و عواطفتان را کنترل کنید.

۳۳- باید یاد گرفت با وجود فشار عاطفی، بتوانید فکر کنید و این اولین قدم است.

۳۴- بی پولی شما را از پرداخت هزینه هایتان می ترساند.

تعریف اندیشیدن از کتاب پدر پولدار پدر بی پول

اندیشیدن یعنی وقت بگذارید و از خودتان سوال کنید. مثلاً از خودتان بپرسید که آیا کارکردن بیشتر در این مرحله بهترین راه حل برای مشکلاتتان است؟

اصلی ترین علت فقر یا مشکلات مالی، ترس یا نادانی است، نه اوضاع اقتصادی یا دولت یا حتی آدم های پولدار.

۳۵- در برخی افراد احساسات آنها افکارشان را کنترل می کند و پول، زندگی آنها را به هر طرف می کشاند. شاید هم بهتر باشید بگوئیم ترس و ناآگاهی درباره پول.

۳۶- افراد پولدار پولساز هستند، آنها برای پول کار نمی کنند.

۳۷- در سرتاسر زندگی فرصت های زیادی برای هر یک از افراد پیش می آید، اما کمتر کسی می تواند آنها را ببیند. زیرا آنها فقط دنبال پول هستند و امنیت، بنابراین هرگز چیز زیادی بدست نخواهند آورد.

۳۸- آن لحظه که فرصتی را دیدید، مطمئن باشید که فرصت های بسیار زیاد دیگری را در طول زندگی تان خواهید دید.

برای پول کار نکنیم، بلکه پول باید برای ما کار کند.

۳۹- چون بخاطر کار در آن فروشگاه ما هیچ دستمزدی نمی گرفتیم، بنابراین مجبور شدیم از نیروی عقل مان برای شناسائی فرصت ها استفاده کنیم.

۴۰- مهم ترین بخشش این است که تاجرتان برای ما پولساز باشد، حتی زمانی که خودمان آنجا نباشیم، باز هم پول برای ما کار کند.

پولی که بدون آگاهی مالی بدست آید خیلی زود بر باد می رود. باید سواد مالی را افزایش داد.

۴۱- تنها پول درآوردن مهم نیست، بلکه حفظ و نگهداری آن، ثروت برای نسل های آینده است که اهمیت دارد.

۴۲- برای داشتن آینده ای روشن باید زیربنای مالی داشت. باید از همان دوران کودکی پی ریزی صحیح هر چیزی را آموخت.

۴۳- باید تفاوت میان **دارایی** و یک بدهی را درک و دارائی ها را خریداری کنید. اگر تصمیم به پولدار شدن دارید این اصلی ترین نکته است که باید بدانید و این قانون شماره ۱ و تنها قانون است.

۴۴- یاد بگیرید از احساسات و عواطفتان برای فکر کردن استفاده کنید، نه اینکه بگذارید احساساتتان، افکار شما را در اختیار بگیرند.

۴۵- باید یاد گرفت با وجود فشار عاطفی، بتوانید فکر کنید و این اولین قدم است.

بی پولی شما را از پرداخت هزینه هایتان می ترساند.

۴۶- اندیشیدن، یعنی وقت بگذارید و از خودتان سوال کنید. مثلاً از خودتان بپرسید که آیا کار کردن بیشتر در این مرحله، بهترین راه حل برای مشکلاتتان است؟

۴۷- در برخی افراد احساسات آنها افکارشان را کنترل می کند و پول، زندگی آنها را به هر طرف می کشاند. شاید هم بهتر باشد بگوئیم ترس و ناآگاهی درباره پول.

افراد پولدار پولساز هستند، آنها برای پول کار نمی کنند.

۴۸- در سرتاسر زندگی، فرصت های زیادی برای هر یک از افراد پیش می آید، کمتر کسی می تواند آنها را ببیند. زیرا آنها فقط دنبال پول هستند و امنیت؛ بنابراین هرگز چیز زیادی بدست نخواهند آورد.

۴۹- آن لحظه که فرصتی را دیدید، مطمئن باشید که فرصت های بسیار زیاد دیگری را در طول زندگی تان خواهید دید.

برای پول کار نکنیم، بلکه پول باید برای ما کار کند.

۵۰- چون بخاطر کار در آن فروشگاه هیچ دستمزدی نمی گرفتیم، بنابراین مجبور شدیم از نیروی عقل مان برای شناسائی فرصت ها استفاده کنیم.

۵۱- مهم ترین بخش این است که تاجرتان برای ما پولساز باشد، حتی زمانی که خودمان آنجا نباشیم، بازهم پول برای ما کار کند.

۵۲- پولی که بدون آگاهی مالی بدست آید، خیلی زود بر باد می رود. باید سواد مالی را افزایش داد.

۵۳- تنها پول درآوردن مهم نیست، بلکه حفظ و نگهداری آن روت برای نسل های آینده است که اهمیت دارد.

- ۵۴- برای داشتن آینده ای روشن باید زیربنای مالی داشت. باید از همان دوران کودکی پی ریزی صحیح هر چیزی را آموخت.
- ۵۵- باید تفاوت میان دارای و یک بدهی را درک و دارائی ها را خریداری کنید. اگر تصمیم به پولدارشدن دارید، این اصلی ترین نکته است که باید بدانید و این قانون شماره ۱ است. و این تنها قانون است.
- ۵۶- چون تفاوت میان دارائی و بدهی را نمی دانیم دچار مشکل مالی می شویم.
- ۵۷- پولدارها دارائی می خرن، فقیرها و افراد طبقه متوسط تنها بدهی می خرن و خیال می کنند که دارائی خریده اند.
- ۵۸- بسیاری از افراد، خواندن را بلد هستند، اما مفهوم چیزی را که می خوانند درک نمی کنند. این درک را درک خواندن می نامند که در این زمینه، هر یک از ما توانائی های متفاوتی داریم.
- ۵۹- دلیل اصلی مشکلات مالی، تنها ناآگاهی از تفاوت میان دارایی و بدهی است.
- ۶۰- دارائی ها سیل پول را به سوی جیب هایتان روان می کنند، ساده، خوب و مفید.
- دارائی، پولساز است.**
- ۶۱- اگر تصمیم به پولدارشدن دارید، تمام عمرتان را صرف خرید دارائی ها کنید. اما اگر می خواهید جزو طبقه فقیر یا متوسط جامعه باشید، تنها بدهی ها را بخرید. بی اطلاعی از این تفاوت، سبب ایجاد مشکلات فراوان مالی در زندگی تان می شود.
- بدهی، پول را از چنگ تان خارج می کند.**
- ۶۲- آنچه مشکلات افراد را حل می کند پول نیست، هوش است که مشکلات را حل می کند.
- ۶۳- وقتی به آینه می نگریم، تنها حقیقت را می بینیم.
- ۶۴- ترس از طرد شدن، باعث می شود که مردم تنها روشی را دنبال کنند که همه از آن پیروی می کنند و آنها بدون کوچکترین پرس و جوئی همان راه را می روند.
- ۶۵- از این حرف نفرت داشت که چون دیگران این کار را می کنند، پس ما نیز باید همان کار را کنیم. همچنین از واژه نمی توانم متنفر بود و هنگامی که دست بکاری می زد، هرگز نمی گفت که این کار شروع می کنم، اما فکر می کنم بتوانم آن را انجام دهم.
- ۶۶- بسیاری از مشکلات مالی به علت دنباله روی کورکورانه مردم دیگر است.
- ۶۷- باهوش کسی است که افراد باهوش تر از خودش را استخدام کند. به این شکل می شه از تجربیات افراد باهوش تر استفاده کنیم.
- ۶۸- عواطف سبب می شوند که میزان هوش مالی پائین آید.
- ۶۹- مدرسه، تنها کارمندان خوب تولید می کند، نه کارفرمایان موفق.
- ۷۰- باید بیاموزید که چگونه کوشش شما به نفع خود و خانواده تان باشد.
- ۷۱- سرمایه گذاری ریسک نیست، این کمبود هوش مالی حاصل از بی سوادی مالی است که سبب می شود سرمایه گذاری های صحیح را سرمایه گذاری با ریسک بسیار بالا ببینیم.

۷۲- ثروت، قابلیت هر نفر برای بقا در روزهای بی پایانی است که پیش رو دارد. حال اگر از امروز دیگر کار نکنیم، چند روز دیگر می توانیم دوام داشته باشیم.

۷۳- ترتیب ساده از تعریف واقعی پولدارشدن: پولدارها دارائی می خرند. فقیرها تنها هزینه می کنند.

طبقه متوسط بدهی هائی می خرند که آن را به حساب دارائی شان می گذازند.

۷۴- برای یافتن امنیت از لحاظ مالی، باید به تجارت خودتان فکر کنید. این تجارت بر اساس ستون دارائی شما شکل می گیرد نه ستون درآمدها.

۷۵- مشکلات مالی اغلب نتیجه یک عمر کار کردن برای دیگران است.

۷۶- به تجارتتان اهمیت دهید.

۷۷- اغلب افراد طبقه متوسط و فقیر محتاط هستند، زیرا زیربنای مالی مستحکمی ندارند. آنها مجبور هستند که به شغل شان متکی شوند و تا آنجا که ممکن است احتیاط را پیشه کنند.

دارائی های واقعی از نظر پدر پولدار پدر بی پول:

تجارت هایی که نیازمند حضور من هستند. من مالک آنها هستم اما توسط فرد دیگری اداره می شوند. اگر من ناگزیر به کار کردن در آنجا باشم دیگر نمی توانم نام تجارت را روی آن بگذارم، بلکه تبدیل به حرفه ام می شود.

- سهام
- اوراق قرضه
- شرکت های سرمایه گذاری
- املاکی که از آنها درآمد حاصل می شود.
- سفته ها
- حق امتیازهای مالکیت معنوی مانند: موسیقی، نمایشنامه، اختراع و...
- سایر چیزهایی که ارزش داران، یا تولید درآمد می کنند و در بازار رونق دارن.

۷۸- تفاوت عمده میان افراد پولدار و طبقه متوسط این است که افراد پولدار، در آخرین مرحله نسبت به خرید یک کالات تجملی اقدام می کنند، حال آنکه افراد طبقه متوسط به محض اینکه پولی دستشان می رسد، آن را صرف خرید کالاهای تجملی می کنند؛ زیرا می خواهند پولدار جلوه کنند.

۷۹- افراد ثروتمند ابتدا ستون دارائی شان را می سازند، سپس با درآمد حاصل از ستون دارائی، کالای لوکس می خرند و طبقه متوسط آن را با تلاش فراوان و کار بی پایان خود و فرزندان شان تهیه می کند؛ که این کار هم ظلم کردن به خودشان است هم به فرزندان شان.

۸۰- کالای لوکس و تجملی، در واقع پاداشی است به سرمایه گذاری در یک دارائی حقیقی و توسعه دادن آن. مثلاً من و همسر من با پول اضافه ای که از آپارتمان ها بدست آوردیم تصمیم گرفتیم یک اتومبیل بنز بخریم. در واقع من و همسر من مجبور به اضافه کاری شدیم نه دست به ریسکی زدیم؛ در واقع این آپارتمان ها بودند که این اتومبیل را برایمان خریدن.

۸۱- با سود بردن از زمان و سرمایه گذاری صحیح در تجارت خودتان، به بزرگترین شگرد ثروتمندان دست خواهید یافت.

۸۲- اگر عاشق دارائی هایت نباشی، مسلماً نمی توان از آنها مراقبت کنی. باید عاشق ملک و املاک و زمین و ساختمان بود. به ساختن ستون دارایی تان ادامه دهید.

دولت که رشد می کند نیاز به مالیات بیشتر و بیشتری خواهد داشت.

۸۳- فلسفه سرمایه داری با منطق مالی نسبت بیشتری دارد.

۸۴- شرکت سندی است حقوقی که به جسم بدون روح می ماند.

۸۵- سواد مالی سبب رسیدن به پول و ثروت می شود. و این پول قدرتی عظیم را به همراه خواهد آورد و برای حفظ و افزایش آن نیز باید از دانش مالی فراوانی برخوردار بود و کسی که فاقد این دانش است، خیلی زود از دنیای ثروتمند بیرون می رود.

۸۶- زورگوترین فرد رئیس انسان نیست، بلکه مامور مالیاتی است که اگر به او جازه دهی، همواره طلب سهم بیشتری خواهد کرد.

۸۷- اگر پول برای فرد کار کند، آن گاه قدرت را نیز در اختیار خواهد داشت و آن را کنترل خواهد کرد.

باهوش باش تا به این طرف و آن طرف کشیده نشوی.

۸۸- آی کیوی مالی شامل چهار زمینه مهارتی است شامل: حسابداری، سرمایه گذاری، شناختن بازارها، قانون

۸۹- هرچه مسئولیت پول بیشتری را در اختیار داشته باشید نیاز به دقت بیشتری دارید، وگرنه امپراطوریتان فرو می ریزد. این وظیفه نیمکره چپ مغز است که محل تحلیل جزئیات است. رفتار خلاقانه بخش نیمکره راست مغز سواد مالی یعنی توانائی درک اظهارنامه مالی

۹۰- مالک موفقیت در بازار کار: جرأت - قدرت ریسک - شهامت - زیرکی - نترسی - هوش - زکاوت - تردید و ترس غیرمنطقی بزرگترین دشمنان نبوغ هر فرد به شمار می آیند.

۹۱- ریسک پذیر باشید، ترس به دل راه ندهید و بگذارید که نبوغ تان ترس شما را به نیرو و ذکاوت تبدیل کند.

۹۲- نبوغ مالی نیاز به داشتن سواد مالی و شهامت در کنار یکدیگر است. اگر میزان ترس زیادتر از حد متعارف باشد، آنگاه نبوغ مالی سرکوب می شود.

هر کسی که جدیدترین اطلاعات را در اختیار دارد ثروتمند می شود.

۹۳- خیلی ها هنگام بازی نقدینگی پول زیادی بدست می آورند، اما نمی دانند باید با آن چکار کنند. آنها افرادی هستند که در زندگی واقعی نیز از نظر مالی موفقیت چندانی کسب نکرده اند. تقریباً همه از آنها جلو می زنن و با آنکه آنها پول دارند، هیچ کاری از دستشان بر نمی آید.

۹۴- فرصت های همواره وجود دارند و هر چه دنیا دگرگون می شود و تکنولوژی تغییری می یابد فرصت مالی بیشتری برای شما و خانواده تان فراهم می شود.

در بازار در حال رشد سرمایه گذاری کنین مثل: مسکن، سهام، ملک و....

۲-سهم کوچک (از املاک بعنوان شالوده اصلی استفاده می کنیم، زیرا هر روز نقدینگی را به جریان می اندازد و گاهی نیز ارزش افزوده دارد و سهام کوچک را برای رشد سریع در نظر می گیریم.

پولدارها افرادی خلاق هستند که ریسک های منطقی را می پذیرند.

۵ دلیل ساده ۵ برای استفاده از یک عملکرد مالی صحیح و حسابی

- الهام بخش به سایرین بمنظور فراگیری بیشتر
- درک این نکته که چنانچه شالوده ای قوی داشته باشیم، کار به سادگی بیشتری انجام می پذیرد.
- نشان دادن این که هر کس می تواند به پولی سرشار دست یابد.
- نمایش میلیون ها راه برای دسترسی به هدف ها
- اثبات این که انجام آن به هیچ عنوان کاری سخت و پیچیده نیست.

۹۵-هوش مالی سبب افزایش شانس موفقیت می شود. در این صورت، معامله ای که برای یک نفر بسیار پرخطر است، برای فردی با هوش مالی بالا از ریسک کمتری برخوردار است - هر چه هوش مالی تان بالاتر باشد، شانس موفقیت تان بیشتر خواهد شد.

۹۶-هرچه بیشتر بیاموزید، پول بیشتری به دست می آورید و بر میزاد تجربه و دانش تان افزوده می شود.

۹۷-دستیابی به هوش مالی نیازمند زمان است.

۹۸-سرمایه گذاری های امن همواره سود اندکی دارند.

۹۹-دستیابی به هوش مالی نیازمند زمان است.

۱۰۰-سیاست اصلی باید کاشتن بذر در ستون دارائی باشد.

۱۰۱-با اشتباه کردن یاد می گیریم، همانطور که با زمین خوردن راه رفتن را می آموزیم.

اگر ستون دارائی تان را قوی کنید، اگر دلتان خواست می توانید کار نکنید.

۱۰۲-برنده ها از باخت نمی ترسند، اما بازنده ها از باخت هراس دارند. شکست بخشی از فرآیند پیروزی است، آنهایی که از باختن هراس دارن هرگز به موفقیت نمی رسند.

۱۰۳-افراد عادی اجازه می دهند که بی پولی مانع انجام معامله شود، باید بیاموزید که از این مانع دوری کنید.

۱۰۴-هنگامی که نیاز به مشورت دارید، حتماً به افرادی مراجعه کنید که از شما باهوش ترن و نسبت به شما از آگاهی بیشتری برخوردارند.

۱۰۵-دانسته های شما بزرگترین ثروت تان هستند، حال آنکه بی اطلاعی تان بزرگترین دشمن شما محسوب می شود.

۱۰۶-همواره امکان خطر وجود دارد، بنابراین یاد بگیرید که بجای دوری از آن خطرات، آنها را مدیریت کنید.

۱۰۷- بیشتر افراد نیاز به مهارتی خاص دارن تا درآمدشان به شکلی نجومی افزایش یابد.

۱۰۸- هوش مالی، هماهنگی میان حسابداری، سرمایه گذاری، بازاریابی و قانون است.

عاشق املاک باشید، چون هم پایدار است و هم همواره مسیر صعودی دارد.

۱۰۹- ایده تخصص یابی: یعنی برای دستیابی به پول بیشتر یا ترفیع گرفتن باید تخصص تان را بالا ببرید و بهمین دلیل است که پزشکان پس از پایان دوره عمومی و فارغ التحصیل شدن، سراغ تخصص می روند.

۱۱۰- اگر یک رهبر خوب نباشی، از پشت گلوله خواهی خورد، درست همان اتفاقی که در دنیای تجارت رخ می دهد.

۱۱۱- کارکنان آن قدر کار می کنند که اخراجشان نکنند و صاحبکاران آن قدر حقوق می دهند که برای استعفا نکردن کارکنانشان کافی باشد.

۱۱۲- پیشنهاد به جوانان: در جستجوی کاری باشید که چیزی به شما بیاموزد نه اینکه صرفاً به درآمد آن فکر کنید. پیش از آن که دنبال حرفه ای خاص باشید به انتهای مسیر بنگرید تا ببینید چه مهارتهایی کسب خواهید کرد.

۱۱۳- عوامل اصلی ناکامی انسان ها، ترس ها و ترس از شکست خوردن و طرد شدن است.

۱۱۴- نمی توان به یک سگ پیر، حقه های جدید آموخت.

۱۱۵- اگر کسی حاضر به تغییر کردن نباشد و خود را با دگرگونی ها وفق ندهد، عوض کردن او کار سختی است.

۱۱۶- دنیا پر است از فقرهایی که بسیار با استعداد هستند. آنها فقیر هستند یا درآمدشان اندک است، نه به این دلیل که ناتوان هستند؛ آنها فقیر هستند زیرا آنچه را که باید بداند نمی دانند.

۱۱۷- افرادی که دائماً از شرکتی به شرکت دیگر می روند تا به تخصص بیشتری دست یابند بیشتر دنبال کسب مهارت هستند تا پول درآوردن. ممکن است که این کار در کوتاه مدت از درآمد کمی برخوردار باشد، اما در طولانی مدت بدون شک سود سرشاری را نصیب شخص خواهد کرد.

سرمایه گذاری یعنی دانستن، نه پول دادن.

۱۱۸- مهم ترین مهارت های تخصصی، فروش و ساخت بازار است که شامل توانایی فروش و ایجاد ارتباط با سایرین است که پایه موفقیت فرد محسوب می شود.

۱۱۹- مهم ترین مهارت، بازاریابی و فروش است. چنین مهارت هایی برای اغلب افراد سخت است، زیرا بیشتر آدم ها از شکست و طرد شدن وحشت دارند.

۱۲۰- افرادی که دانش مالی دارن به پنج دلیل امکان دارد که ستون دارائی شان کم شود و نتوانند جریان نقدینگی بالائی داشته باشند که شامل موارد زیر است:

- ترس (ترس از دست دادن پول)
- بدبینی
- تنبلی
- عادات ناپسند

۱۲۱- باید یاد بگیریم که چگونه هنگامی که چیزی را از دست می دهیم یا در کاری شکست می خوریم بر ترس هایمان فائق آئیم، که این همان نکته ای است که تفاوت را ایجاد می کند.

۱۲۲- همه ما در بعضی موارد یک قهرمان هستیم و در برخی موارد یک ترسو.

۱۲۳- اگر از ریسک کردن متنفری و تو را نگران می کند، پس هر چه زودتر شروع کن.

۱۲۴- همه دوست دارن به بهشت بروند، اما هیچ کس دوست ندارد بمیرد.

کار کنید تا بیاموزید برای پول کار نکنید.

۱۲۵- همواره سعی کنید از هر شکستی، فرصتی بزرگ خلق کنید.

۱۲۶- کسی که از شکست نمی ترسد پیروز می شود.

۱۲۷- تفاوت بزرگی است میان نفرت داشتن از باخت و ترسیدن از آن.

۱۲۸- بسیاری از مردم برای نباختن از بازی می کنند، نه برای برنده شدن.

۱۲۹- خرید اوراق قرضه تضمینی بی خطر و بدون ریسک از آن نوع سرمایه گذاری هایی نیست که شما را برنده کند، این اوراق تنها به درد کسانی می خورد که بازی می کنند تا نبازند.

۱۳۰- برای دریافت پول، باید پول داد.

۱۳۱- ورشکستگی تو را نیرومندتر و باهوش تر می کند.

۱۳۲- اگر پول کمی دارید و می خواهید ثروتمند شوید، ابتدا باید متمرکز باشید نه متوازن - برای پیشرفت کردن، همچون طفلی نوپا که راه رفتن را می آموزد باید نامتوازن حرکت کرد.

بردن یعنی نترسیدن از شکست.

۱۳۳- گاهی آنقدر می ترسیم که توان پیشرفت نداریم، بنابراین ترجیح می دهیم محتاط باقی بمانیم و اجازه دهیم فرصت ها از کنارمان بور کنند.

۱۳۴- تردید و بدبینی سبب می شود که اغلب افراد فقیر بمانند و به همین دلیل محتاطانه رفتار می کنند. اما دنیای واقعی انتظار شما را می کشد که پولدار شوید.

۱۳۵- بدبین ها انتقاد می کنند و برنده ها تحلیل - انتقاد، چشمان را کور می کند و حال آنکه تحلیل سبب بازشدن چشم ها می گردد.

۱۳۶- توماس ادیسون متوازن نبود، او متمرکز بود.

۱۳۷- تردید و ترس بدون بررسی، بدبینی پدید می آورد.

آدم های بدبین هرگز برنده نمی شوند.